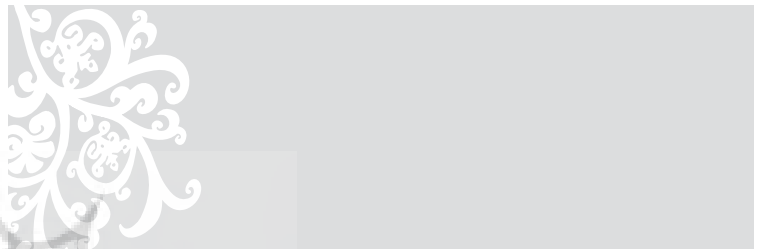


موسیقی زیرزمینی؛ شکفتن در تاریکی

مجید رئوفی

● درست مثل خیلی چیزهای دیگر، اینجا معنای کلمات متفاوت است. بین نخواستن و نتوانستن فاصله زیادی است اما، ما اینجا، در ایران به گروه‌های موسیقی که نمی‌توانند آلبوم منتشر کنند یا کنسرت‌های رسمی برگزار کنند، گروه‌های زیرزمینی می‌گوییم. در واقع مرز بین غیرمجاز و زیرزمینی را به راحتی می‌توانیم نادیده بگیریم. درحالی که در تمام دنیا - طبیعتاً کشورهایی که موسیقی دارند - گروه‌هایی نام خود را زیرزمینی می‌گذارند که نمی‌خواهند آلبومی را از طریق کمپانی‌های عظیم به بازار ارائه کنند و اساساً هنر برای تجارت را زیر سوال می‌برند. بگذریم از این نکته که این ایده، متعلق به یک دو سال اول فعالیت‌های این گروه‌هاست و آنها وقتی با استقبال عده‌ای مواجه می‌شوند، با خودشان می‌گویند چرا که نه؟ چرا نباید افراد بیشتری موسیقی ما را بشنوند و بعد که کمی بیشتر فکر می‌کنند، می‌بینند که چاره‌ای نیست مگر حرکت در مسیر آب‌ها. باید سراغ یک کمپانی توزیع بروند و یا اگر بیش از این، تمام تماس‌های کمپانی تولید موسیقی را بی‌جواب می‌گذارند، راهی برای مذاکره مجدد پیدا کنند. به این ترتیب آنها از حالت زیرزمینی خارج می‌شوند و دیگر یک گروه

موسیقی تجاری هستند. به‌واقع اگر یک گروه موسیقی، زیرزمینی نباشند، حرفه‌ای است و باید به بازار و تعاملات فروش و دیدگاه‌های تبلیغاتی و تجاری دنیای موسیقی توجه ویژه ای کند. گروه‌های دیگر نمی‌توانند تصاویر محو و مبهم و کم‌رنگ کنسرت‌های چندصد نفری را که با یک دوربین خانگی فیلمبرداری شده به عنوان یک کار گروه کپی کنند و دست به دست بین طرفداران شان بچرخانند. حالا باید با دوربین‌های پیشرفته و وسایل فیلمبرداری و تدوین مجهز به فکر ساخت ویدئو کلیپی برای پخش در رسانه‌های مهم دنیا شوند که لازم‌هاش، کیفیت، نوآوری و توجه ویژه به جزئیات است که دقیقاً مترادف است با صرف هزینه‌های هنگفت. چیزی که به هیچ‌وجه در آشل موسیقی زیرزمینی نمی‌گنجد. مثال آشنا و ویژه این گروه‌ها برای مخاطب ایرانی، متالیکا است. متالیکا ابتدای دهه ۸۰ را در کلوب‌های زیرزمینی سپری می‌کرد و با بازخوانی آثار قدیمی گروه‌هایی همچون آبیرون میدن روزگار می‌گذراند و در این میان آثار غنی و خوبی نیز تولید می‌کرد. اما به یکباره با آشنایی با پیتربیش تهیه‌کننده مشهور دنیای موسیقی، وارد فضای تجاری موسیقی شد و بسیاری از هواداران جدی‌اش را از دست داد.



اینجا در ایران، اما بسیاری از گروه‌ها و چهره‌های موسیقی، صفت زیرزمینی را به‌عنوان یک بخش ثابت همواره همراه نام خود دارند، اما به راحتی و با صرف بودجه‌های هنگفت در اشل بازار ایران - به تهیه ویدئو کلیپ‌های آن‌چنانی می‌پردازند و تک‌شان هم نمی‌گردد. منظورمان این نیست که این زیرزمینی بودن، باعث کسب وجاهت برای آنها می‌شود و حالا که کلیپ ساخته‌اند، از درجه اعتبار ساقط‌اند. موضوع به اصل «زیرزمینی» بودن و معنای ذاتی موسیقی زیرزمینی باز می‌گردد. با این وصف، همان‌طور که گفتیم موسیقی زیرزمینی در ایران، مترادف است با موسیقی غیر مجاز. بسیاری از علاقه‌مندان موسیقی که دوست دارند مثل ستاره‌های بازار، شهرتی به هم بزنند یا ثروتی به جیب، وقتی با درهای بسته کسب مواجه می‌شوند، با انتشار آلبوم و یا آهنگ‌شان به صورت اینترنتی عمدتاً خود را وارد دنیای زیرزمینی‌ها می‌کنند. دنیایی که هر روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و بعید نیست روزی همه جوانان علاقه‌مند موسیقی عضو این جامعه شوند. پرداختن به موسیقی زیرزمینی کار پیچیده‌ای است. از آنجا که این روزها هرکس با یک کامپیوتر خانگی، یک میکروفون و یک نرم افزار تولید آهنگ می‌تواند وارد دنیای موسیقی شود و البته طبق تعریف ایرانی‌اش، جزو خانواده زیرزمینی‌ها، پرداختن به موسیقی زیرزمینی کار ششاقی به نظر می‌رسد. اما می‌توان با محدود کردن شعاع انتخاب‌ها، موسیقی زیرزمینی ایران را در قالب رپ‌ها، راک‌ها و متال‌ها و البته پاپ‌های بدون مجوز تقسیم‌بندی کرد. پاپ‌های بدون مجوز را که می‌توان به وفور در شبکه‌های نیمه مجاز ماهواره‌ای یافت و اغلب آنها را در این رده گنجانند. متال‌ها هم کمتر شناخته شده‌اند و با فروکش کردن تب متال در تمام دنیا، این‌جا در ایران هم منهای یک اقلیت، کسی آن را دنبال نمی‌کند، اما موسیقی راک زیرزمینی و رپ برای خود موقعیت ویژه‌ای ساخته‌اند. در این‌جا سعی می‌کنیم نگاهی به این دوشاخه اصلی موسیقی زیرزمینی ایران بیندازیم.

● رپ‌خوان‌های مودب‌تر

دقیقاً احساس درستی است. پارسال، سال گسترش قارچ گونه گروه‌های رپ و هیپ‌هاپ زیرزمینی بود. برخلاف سال‌های گذشته که تین‌ایچرها و جوانان، به سراغ گروه‌های راک می‌رفتند یا آن‌دسته‌ها از آهنگ‌های پاپ احساسات‌گرایانه و نوجوان‌پسند و پر از گل و دونه را دنبال می‌کردند، امسال دوستان و هم سن و سالان خود را در قالب گروه‌های آماتور موسیقی می‌دیدند که به زبان خودشان حرف می‌زدند و بعد از چند تمرین کوتاه و آشنایی ابتدایی با موسیقی رپ، خودشان هم دست به کار

می‌شدند و یک گروه موسیقی تشکیل می‌دادند. رپ یکی از ساده‌ترین گونه‌های موسیقی است که به آموزش علمی موسیقی احتیاج چندانی ندارد. آهنگ‌سازی برای قطعات رپ، واقعاً کار ساده‌ای است و به همین دلیل این همه نوجوان و جوان به سمت ساخت قطعات رپ شتافتند.

خیلی‌ها، چند قطعه می‌سازند و هیچ توجهی را بر نمی‌انگیزند، اما خب دسته‌ای هم هستند که با توجه به جزئیات و کلام متفاوت و با استفاده از رسانه مهم و موثری همچون اینترنت، برای خود و محدوده هواداران این نوع موسیقی، نامی دست و پا کنند. کلام آهنگ‌های رپ مهم‌ترین دلیل برای مطرح کردن خوانندگان رپ است. رپ‌ها میان خودشان از اصطلاح «تکست» به جای ترانه استفاده می‌کنند تا حساسیتی هم میان ترانه سرایان ایجاد نکنند. هر خواننده رپ اساساً باید خودش این تکست‌ها را بنویسد. در گروه‌ها هم رسم بر این است که هر خواننده، قطعه مربوط به خود را خودش می‌نویسد، اما از آنجا که گفتیم اینجا در موسیقی ما، خیلی چیزها سرچایشان نیستند و ممکن است بخش‌های اساسی کار به راحتی تغییر کنند، تکست سازان جوانانی به صحنه آمده‌اند که دیگران را تغذیه می‌کنند و درست مثل بسیاری از بزرگان موسیقی پاپ که فقط می‌خوانند و در فرآیند ترانه‌سرایی و آهنگ‌سازی هیچ نقشی ندارند، برخی رپ‌های جوان هم فقط مجری تسک‌ها هستند. بخش دیگر ماجرا هم، ملودی یا در واقع «بیت» کار است. در ابتدای کار، رپ‌های جوان از جمله «زدبازی» به سراغ ملودی‌های دیگران می‌رفتند. مثلاً کلام یک آهنگ امینم را حذف می‌کردند و روی آن تکست فارسی می‌گذاشتند و می‌خواندند. اما یکی از قدیمی‌ترین رپ‌ها که سعی کرد از ابتدا خودش بیت بسازد و این روزها برای خودش مافیایی تشکیل داده، «هیچ کس» است.

سروش لشکری که عنوان «هیچ کس» را برای خود انتخاب کرده از حدود شش سال پیش یعنی وقتی که ۱۵ ساله بود، کارهایی در زمینه رپ انجام داده بود. او ابتدا با شعرهای انگلیسی، بر روی آهنگ‌های قدیمی رپ و هیپ‌هاپ می‌خواند و آنها را ضبط می‌کرد اما کم‌کم احساس کرد باید فارسی بخواند تا هوادار پیدا کند. او درباره فارسی خواندنش می‌گوید: «دوست داشتم از واقعیات خودمان بگویم و زندگی اجتماعی ایرانی را به شعر درآوردم». خیلی سخت نگریزد. از این که آیا یک پسر حدوداً ۲۰ ساله می‌توانست دغدغه‌های اجتماعی و واقعیت‌های جامعه را در قالب یک آهنگ رپ به خوبی طرح کند یا نه می‌گذریم. سروش لشکری، آهنگ‌های زیادی را اجرا کرد و با تعدادی از گروه‌ها و خوانندگان جدید رپ همکاری کرد و نتایج این همکاری را از طریق اینترنت به گوش مخاطبان بالقوه‌اش رساند. او پس از مدت‌ها، تصمیم گرفت آلبوم جدیدی تهیه کند و موسیقی رپ و هیپ‌هاپ‌های زیرزمینی را وارد فضای جدیدی کند. همان فضای تجاری که صحبتش را کردیم. او در این آلبوم سعی کرد نوآوری‌هایی در موسیقی رپ انجام دهد و با استفاده از موسیقی سنتی ایران، عناصر جدیدی را وارد موسیقی رپ کند. او حتی پا را فراتر گذاشت و در بسیاری از قطعات، از سازهای ایرانی نظیر عود، قانون، نی، دف و تنبک استفاده کرد. هیچ کس، برخلاف بسیاری از رپ‌خوان‌های دیگر که از رپ فقط فحش و بد و بیراهش را یاد گرفته‌اند، سعی می‌کند که از کلمات مستهجن استفاده نکند و تا جایی که ممکن است مودبانه و در چارچوب‌های جامعه گام بردارد. البته شنیده می‌شود که هیچ کس در حال حاضر، رهبر یک مجموعه از رپ‌خوان‌های نوجوان است. او سعی می‌کند با همخوانی با آنها، باعث مطرح شدنشان شود و البته مجموعه‌اش را هم گسترش دهد.

یکی دیگر از گروه‌های رپ که با گذاشتن تکست فارسی روی آهنگ‌های خوانندگان غربی، خودش را به عنوان یک گروه مطرح معرفی کرد، زدبازی بود. اعضای گروه، ابتدا در ایران مشغول فعالیت بودند، اما بعد به لندن کوچ کردند و در استودیوی شخصی یکی از اعضای گروه، کارهای جدیدشان را ضبط کردند. آنها ابایی از به کار بردن کلمات غیر متعارف ندارند، اما با خواندن آهنگی به نام «آماده باش» خطاب به آمریکا، اعلام کردند که برای دفاع از وطن، آماده‌اند جانشان را هم بدهند. گروه Emziper هم، جزو رپ‌خوان‌های نسبتاً خوب این جامعه



المان‌های ویژه این عشق رپ‌هاست. آنها البته بیشتر به قصد جلب توجه به این پوشش رو آورده‌اند و عملاً خلایق و استعدادهای ویژه‌ای ندارند. برخلاف با استعدادترها که هیچ‌یک از این نشانه‌ها وارداتی را بروز نمی‌دهند، همین‌ها هم هستند که باعث شده‌اند رپ وارد سینما هم بشود. در جشنواره فیلم فجر پارسال در تیتراژ فیلم «خط ممتد» به کارگردانی مانی تارخ، از یک آهنگ رپ با مضمون اجتماعی استفاده شده بود. در سریال متهم گریخت هم آهنگی به صورت هیپ هاپ اجرا شد. هرچند این استفاده‌ها بیشتر تفریحی بوده، رپ و تفنن! گفتیم که اینجا، معنای کلمات متفاوت است.

● راک دانشگاهی

اولین حلقه‌های گروه‌های راک مجاز را موج دانشجویهای دانشکده هنر دانشگاه آزاد تهران ایجاد کردند. رامین بهنا و دوستانش که بعدها در گروه آویژه، آلبوم‌هایی هم منتشر کردند، هم اهل راک بودند. در ابتدای کار، آرش مبتویی و پویا نیکپور، هم به او پیوستند تا حرفه‌ای‌های راک، کارشان را از زیرزمینی در شهرک غرب آغاز کنند.

پویا نیکپور، پیش از تمام آلبومی را با اجرای مجدد آثار پینک فلوید منتشر کرده بود که نواز کاستش در میان هواداران موسیقی راک، دست به دست می‌شد و کپی‌های فراوانی از آن در شهرهای مختلف کشور پخش می‌شد.

آنها در ابتدای کار واقعا زیرزمین بودند یکی از دلایل نزدیکی آنها به هم آشنا شدنشان با یکدیگر، هم فیلم مستندی بود که شهرام مگری از آنها ساخت. اولین جرقه‌های ظهور این گروه‌های موسیقی به سال ۷۹ باز می‌گشت که تالار فرایبی دانشگاه هنر، میزبان گروه‌های راک زیرزمینی بود، البته نه به عنوان یک کنسرت بلکه به‌عنوان دهن پرکنی همچون پژوهشی در موسیقی راک، همانجا بود که گروه‌هایی مثل پیکولو با حضور کاوه رمضان زاده و داریوش صالح پور به اجرای زنده پرداختند. بعدها هم کاوه رمضان زاده را در همکاری‌هایش با محمد اصفهانی، علیرضا عصار بیشتر شنیدیم. گروه آوار به رهبری مهرداد پالیزان هم در این مراسم، چند قطع اجرا کرد. آوار را بعدها، تیتراژ پایانی فیلم سینمایی «نفس عمیق» بیشتر شناختیم. اما فستیوال تهران اونیو، به گروه‌های راک زیرزمینی فرصت بهتری برای یک رقابت جالب داد. وب سایت تهران اونیو، مسابقه‌ای میان این گروه‌ها برگزار کرد تا آنها قطعات ضبط شده خود را بر روی سایت بگذارند و شنوندگان موسیقی برتر مورد نظرشان را انتخاب کنند.

فستیوال اول تهران اونیو با استقبال گسترده گروه‌های راک زیرزمینی برگزار شد و تعداد زیادی از چهره‌های سال‌های آینده موسیقی پاپ و راک از بطن این فستیوال متولد شدند. امر تاریکی از این گروه‌ها بود که این روزها تحت پوشش یکی از شرکت‌های فعال در زمینه موسیقی پاپ در آمده است.

گروه ۱۲۷ هم در این فستیوال مورد توجه قرار گرفت. گروهی که آرش سبحانی را در راس خود می‌دید. سبحانی پس از سال‌ها به کانادا مهاجرت کرد و آلبوم‌هایش را از طریق یک شرکت ایرانی ثبت شده در کانادا منتشر کرد.

گروه فرا هم فقط یک آهنگ مطرح به نام پشه داشت و کم‌کم از صحنه راک زیرزمین محو شد. دو فستیوال بعدی تهران اونیو، توجه چندانی را برنیا نگذاشتند و نتوانستند مثل فستیوال اول، میوه‌هایی برای چیدن آماده کنند.

اما فستیوال راک که سال گذشته در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران تحت عنوان همایش یوسف اسلام برگزار شد، پس از مدت‌ها، باعث جمع شدن هواداران گروه‌های راک زیرزمینی شد. البته این فستیوال فقط به راک محدود نشد و تعدادی از گروه‌های متال از جمله گروهی تحت هدایت نوریک میساکیان در آن به اجرای زنده پرداختند. این برنامه در دو سانس برگزار شد و در سانس اول، گروه‌های ۱۲۷، آوار و یک گروه اصفهانی با نام پرشین به اجرای زنده پرداختند که با هو کردن گروه‌های آخری از طرف تماشاگران، برنامه قطع شد. در سانس دوم گروه شیرازی ورود و گروه نوریک سیاکیان به اجرای برنامه پرداختند. آنچه در بررسی گروه‌های موسیقی راک داخلی به چشم می‌خورد، منشا دانشگاهی آنهاست. درست مثل ورزش بسکتبال که در ابالات متحده به دانشگاهی بودن معروف است.

اگر قرار است اتفاقی هم در مسیر حرکتی این گروه‌ها بیفتد، بدون شک از دل همین جریان‌های دانشگاهی رخ خواهد داد.

موسیقی است. آنها آلبومی با موضوعات مرتبط با کنکور، چت، فاصله طبقاتی و شبیه آنها، دغدغه‌های اجتماعی‌شان را عیان کردند. آنها خیلی پرکار نبوده‌اند. اما دوباره وارد عرصه شده‌اند و آهنگ مشترکی با پیشرو اجرا کرده‌اند. پیشرو هم از نسل اول رپ خوان‌هاست. او ابتدا نام Ypac را بر مبنای نام Ypac خواننده معروف رپ و هیپ‌هاپ برای خود انتخاب کرد و علاقه‌اش به او را با خواندن تکست‌هایی بر روی ملودی‌های او، نشان داد. او هم در چند کلیپ ظاهر شده. تپی هم یکی دیگر از این نسل است که ضبط ضعیف کارهایش نشان می‌دهد که کارش خیلی آماتوری است. او همچنین برای آگهی تبلیغات کمپانی فاکور اسپانیا آهنگی اجرا کرده و در ایام محرم هم آهنگ «آقا جون» از او با استقبال جوانان رپ‌رو شده است. ایر تلو هم از نام‌های آشنای جوانان علاقه‌مند به رپ است. امیرحسین مقصدلو که لقب تلو را برای خود انتخاب کرده، در ابتدای کار، آهنگ‌ها پاپ می‌خواند اما نهایتاً تصمیم گرفت به جرگه رپ خوان‌ها بپیوندد. او هم آهنگ‌هایش را معمولاً از آهنگ‌سازان دیگر می‌گیرد و کم‌کم از رپ به سمت موسیقی ریتم اندبلاز حرکت می‌کند.

اما یکی از موجه‌ترین و مطرح‌ترین خوانندگان رپ سال گذشته، یاس بود که نام اصلی‌اش یاسر است. او با آهنگ «سی دی رو بشکن» به شهرت رسید. او این آهنگ را در جریان ماجراهای پخش گسترده فیلم خصوصی بازیگر زن سریال نرگس و در اعتراض به تماشای این فیلم اجرا کرد که با استقبال گسترده‌ای مواجه شد. یاس پیش از آن، سه روز پس از زلزله نابهنجار بم، آهنگی به نام «بم» را ضبط کرد که کلامی تاثیرگذار و احساساتی داشت. یاس در جریان آشنایی با مستندسازی که قصد داشت ایران واقعی را به تصویر بکشد - مخالفت با تبلیغات رسانه‌های دنیا - با یک گروه آمریکایی به نام Green house effect آشنا شد که پسری ایرانی - آمریکایی به نام آرشام، لیدر و خواننده اصلی آن گروه است. در پی همکاری یاس و آرشام، آلبومش را تکمیل کرد و هم‌اینک از طریق شرکت آوای باربد، در پی دریافت مجوز انتشار این آلبوم است. به قول یکی از هواداران رپ، او مجازترین رپر ایرانی است. علاوه بر تمام این رپ‌خوان‌های جوان، تعداد زیادی رپر نوجوان هم وجود دارند که معمولاً در کلامشان از واژه‌های نامناسب بهره می‌برند و برخی هم، آنچنان که باید مطرح نیستند.

بسیاری از نوجوانانی که به سمت رپ گرایش پیدا می‌کنند به حواشی بیشتر از متن توجه می‌کنند. آنها اول از همه ظاهرشان را به شکل رپرها در می‌آورند. شلوارهای بگی با جیب‌های زیاد و یک ربکبی بسکتبال که روی تی‌شرتی ساده پوشیده می‌شود، کلاهی که پایین کشیده شده و یا کج شده است و کلی زلم زیمبو که از گردن و جیبشان آویزان است. هدفونی در گوش و حرکات دست و سر به سبک خوانندگان رپ از